

شما سال‌ها در عرصه تئاتر کار کرده‌اید و مطمئنا بارها شرایط حضور در عرصه تصویر نیز مهیا بوده است؛ اما با نقشی در عرصه تصویر حضور یافتید که با ابعاد و جلب توجهی که می‌کند دارای مولفه‌هایی است که این ذهنیت را به وجود می‌آورد حسام منظور با هوشمندی فراوان و سنجیدن جوانب بسیار دست به این انتخاب زده است؛ نقشی که همه چیز آن بجاست؛ چقدر این موضوع را قبول دارید و تا چه اندازه این هوشمندی را برای خود در زمینه بازیگری حتی در آینده قائل هستید؟

همیشه در انتخاب کارهایم دقت کرده‌ام و این موضوع شامل کارهایی که در گذشته انجام داده‌ام نیز می‌شود؛ این قضیه به این برمی‌گردد که معتقدم یک هنرمند بایستی به انتخاب‌های خود دقت کند و نه صرفا کاری را برای بازی برگزیند؛ به نظر من هنرمند بودن شامل مجموعه‌ای از انتخاب‌هاست؛ باید موسیقی که قرار است گوش دهیم، موسیقی خوبی باشد، فیلمی که قرار است ببینیم و کتابی که می‌خواهیم بخوانیم خوب باشند و به‌طور کل فکر می‌کنم یک انتخاب می‌تواند به کاری که یک هنرمند انجام می‌دهد معنا ببخشد؛ در گذشته و در فعالیت‌های تئاتری که داشته‌ام هم به همین شکل بوده است و من همیشه در انتخاب نقش‌هایم دقت کرده‌ام؛ معمولا نقشی را انتخاب می‌کنم که برایم چالش‌برانگیز باشد تا بتوانم با آن به‌اصطلاح کلنجر بروم و از دلش یک آدم زنده را بیرون بکشم؛ البته قبلا هم در تلویزیون و یا سینما کار کرده‌ام اما بیشتر به شکلی بودند که شاید بتوان گفت جنبه آزمایشی داشته‌اند؛ درواقع نوعی آزمون و خطا تا ببینم جلوی دوربین چقدر می‌توانم خودم را محک بزنم؛ سریال «بانوی عمارت» اولین انتخاب جدی من بود، برای این که یک کاراکتر را از صفر تا صد بسازم و سعی کردم در روند کاری که انجام می‌دهم به آن وجوه انسانی هم ببخشم.

می‌دانیم که معمولا سریال‌های تاریخی باسایر کارها مانند ملودرام‌های اجتماعی، کارهای خانوادگی و… که در تلویزیون ساخته می‌شوند خیلی متفاوت‌ترند؛ چه به‌لحاظ تاریخی بودن آن و چه از نظر عاشقانه‌هایی که قرار است رقم بزنند و خود را ماندگار کنند؛ باتوجه به کیفیت بسیار خوب و قابل قبول بازی شما در این کار چقدر این کیفیت را نشأت گرفته از سال‌ها فعالیت در تئاتر می‌دانید؟ چرا که تئاتر ناخودآگاه پختگی را به بازیگر می‌دهد که شاید پس از سال‌ها فعالیت در سینما، بازیگر به آن نرسد؛ چقدر درخشش امروز در تلویزیون را مدیون تئاتر هستید؟

به هر حال کار تاریخی سختی‌های مختص به خود را دارد؛ به نظر من کار تاریخی به‌نوعی می‌تواند عیار بازیگری را نشان دهد چرا که بسیار از فضای امروزی ما به دور است، بنابراین نیاز است بازیگر موارد بسیاری را در خود تغییر دهد؛ هم به‌لحاظ اتمسفر و هم از نظر روحی روانی تا بتواند فضای تاریخی را به‌خوبی اجرا کند؛ البته اعتقادی به تفکیک بازیگری در تئاتر و سینما ندارم؛ به عقیده من بازیگری، بازیگری است؛ بازیگران بسیاری داشته‌ایم که فقط در سینما کار کرده‌اند و بازیگران خوبی بوده‌اند؛ از طرفی ضرور تا تئاتر را راهگشا نمی‌بینم تا این که یک بازیگر به کیفیت مطلوب برسد؛ بازیگران زیادی هم بوده‌اند که سال‌ها تئاتر کار کرده‌اند اما خیلی موفق نبوده‌اند؛ درمجموع این موضوع یک اصل و اساس نیست که راجع به آن صحبت کنیم البته که اگر تجربه صحنه‌ای و تئاتری به‌طور مداوم باشد می‌تواند بازیگر را در بحث شخصیت‌سازی و نشان دادن ابعاد مختلف روحی و روانی یک کاراکتر کار کشته کند. علاوه بر این که در این سال‌هایی که تئاتر کار کرده‌ام خیلی جدی سعی داشتم اتفاقات روز بازیگری دنیا را در سینما هم رصد و به آن‌ها فکر کنم؛ تصور می‌کنم اگر بخواهیم مثالی بزنیم خیلی شبیه به فوتبال داخل سالن و فوتبال روی چمن است؛ مسئله این نیست که بازیکن فوتبال داخل سالن نمی‌تواند در چمن بازی کند یا برعکس؛ من فکر می‌کنم هر دوی آن‌ها می‌توانند در زمین‌ها و در اندازه‌های مختلف بازی کنند؛ مسئله این است که بازیکن باید ابعاد جدید را بفهمد و با شناختی که از ابعاد جدید دارد در یک زمین با وسعت کوچک یا بزرگ بازی کند؛ نهایتا تفکیک بازیگر تئاتر و سینما از نظر من خیلی درست نیست.

شما مدرس هستید و این وجه متفاوتی به شما می‌بخشد؛ همکاری و تعامل با سایر بازیگران «بانوی عمارت» چه آن‌ها که تجربه اولشان بود و چه بازیگرانی که از عقبه پروپیمانی برخوردار بودند چطور بود؟

بله، سال‌هاست در دانشگاه و کارگاه‌های بازیگری تدریس می‌کنم؛ این موضوع روی من تأثیرات زیادی گذاشته زیرا مجبورم منابع، کتاب‌ها و اتفاقات بازیگری دنیا را رصد کنم و از قافله عقب نمانم؛ ضمن این که همیشه روش من در کلاس‌هایم بسیار منعطف به کار عملی بوده است و معمولا سعی می‌کنم با هنر جوهایم به‌صورت عملی کار کنم؛ همین کار عملی باعث می‌شود من هم به اندازه هنر جوها در کلاس تمرین داشته باشم و این اتفاق بسیار خوبی برای من در طول این سال‌ها بوده است؛ طیف مختلفی از بازیگران در «بانوی عمارت» بازی می‌کردند، از کسانی که سابقه زیادی در سینما و تئاتر داشتند تا کسانی که کم‌تجربه‌تر بودند؛ باتوجه به



حسام منظور در گفت‌وگوبا «صبا»:

# باید متفاوت باشم

«بانوی عمارت» اولین انتخاب جدی من بود

| <div>لی‌اسلمانی</div>     |
|---------------------------|
| <div><b>گفت‌وگو</b></div> |

**رسم عیاری در زمانه‌ای که آرز قدرت زبانه می‌کشد به قامت واژه پرطمطراق انسان و آدمیت؛ جلوه‌های چشمگیر عاشقی و فرود آمدن تا به زنجیر کشیدن و عاجز شدن؛ هنوز هم قدرت در چشمان مرد قدرت خوندنمایی می‌کند و دسیسه نوجه‌های اهریمن کار به جایی نمی‌برند؛ هنر را به‌حق دیلماجی کردند و بانگ رحیل سر دادند به عصری نزدیک؛ شبانه‌های تقویم کنونی تلویزیون و شبکه سه سیما؛ «بانوی عمارت» و شازده‌ارسلان؛ اول مرد سریال و کسی که خوش درخشید و تحسین برانگیخت. سیاهه پیش‌رویتان، اظهارات حسام منظور بازیگر نقش شازده قجری این شب‌های رسانه است که رویت می‌کنید.**

این که نقش اصلی را عهده‌دار بومد باید با همه دوستان بازی می‌کردم؛ در این جور مواقع بهتر است بازیگر در مقابل هر بازیگر متفاوتی که در برابرش قرار می‌گیرد یک استراتژی متفاوت داشته باشد؛ وقتی در مقابل بازیگر باسابقه تئاتر و سینما در «بانوی عمارت» بازی می‌کردم، روش متفاوتی داشتم و سعی می‌کردم روش‌هایم را تغییر دهم و با همه برخورد یکسانی در بازی نداشته باشم؛ آدم منعطفی هستم و تلاش می‌کنم همیشه با بازیگر روبه‌رو تمرین داشته باشم؛ زیرا معتقدم زمانی صحنه‌ای خوب شکل می‌گیرد که دو بازیگر بتوانند با یکدیگر تعامل خوبی داشته باشند و احساساتشان را رد و بدل کنند؛ در این‌صورت بهترین رخ خواهد داد. معمولا بازیگران حس خوبی به هم دارند و یکدیگر را می‌فهمند؛ تمام بازیگران نه‌تنها در ایران که در سراسر دنیا یک زبان مشترک دارند که برگرفته از تکنیک‌ها و تجربیات بازیگری‌شان است و از طریق آن می‌توانند باهم ارتباط برقرار کنند؛ من سعی می‌کردم با همه بازیگران علاوه بر کار در سر صحنه، خارج از آن هم دوستی و رفاقت داشته باشیم و به هم کمک کنیم تا نتیجه مطلوبی از کار را شاهد باشیم.

**قبول دارید پا انتخالی که کرده‌ید و میزان دیده‌شدن این سریال؛ بازی نقش یک سریالی پرپیچنده و تأثیرگذار، شخصیتی که لغت و خیزهای بسیار دارد به‌طوری که بیننده یک شخصیت تک‌بعدی را از شاهزاده قاجاری نمی‌بیند؛ با این حساب چه اندازه این چندبعدی بودن شخصیت ارسلان میرزا و اقتو خیزهای آن و این میزان دیده شدنش نزد مخاطب باعث می‌شود که در انتخاب‌های بعدی در عرصه تصویر خیلی دقیق باشید و سر هر کاری نروید؟ شما انتخاب اول را خوب رقم زدید اما قبول دارید که انتخاب دوم می‌تواند خیلی تعیین‌کننده‌تر باشد؟ چرا که اگر کار دوم هم خوب انتخاب شود در ادامه هم می‌توانید به همین اندازه و چه‌بسا بیشتر خوب باشید و خوب هم دیده شوید؛ در غیر این‌صورت شاید «بانوی عمارت» هم کم‌کم فراموش شود.**

می‌توانم بگویم شخصیت شازده‌ارسلان پیچیده‌ترین شخصیت در فیلمنامه «بانوی عمارت» است؛ پر از تضادهای مختلف؛ در همان ابتدا و زمانی که فیلمنامه را خواندم متوجه این موضوع شدم شازده‌ارسلان چه شخصیت دشواری است و نیاز به درک عمیقی از مسائل روان‌شناسی و تاریخی دارد؛ سعی کردم شازده‌ارسلان را به‌صورت یک انسان تصور کنم نه یک آمی که ماورایی است و قدرهای عجیب و غریبی دارد؛ بسیار تلاش کردم از محیط برای پرداخت شخصیت ارسلان استفاده کنم و در تمام صحنه‌ها سعی کردم فشار محیط روی این کارا کتر دیده شود و به همین دلیل همیشه زودتر از زمان تصویربرداری در محل کار حاضر شدم تا محیط را بررسی کنم و ببینم از آن چه چیزی را می‌توانم به دست آورم؛ به‌طور مثال در صحنه‌های شکنجه چند روزی نخوایدم تا این بی‌خوابی روی جسمم و روحم اثر بگذارد که صحنه‌ها هم طبیعی‌تر شوند یا به دوستان صحنه می‌گفتم طناب‌هایی که برای شکنجه استفاده می‌شود را خیلی محکم‌تر ببندند؛ زیرا معتقدم تمام این شرایط محیطی می‌تواند به باورپذیری صحنه مورد نظر کمک کند؛ با گپ‌وگفتی هم که با آقای حمیدنژاد داشتیم هر دو موافق این مسئله بودیم که شازده‌ارسلان را خیلی درونی‌تر و عمیق‌تر به تصویر بکشیم. همیشه اولویت من این است که مجموعه، مجموعه خوبی باشد؛ اگر قرار باشد کار در پروژه‌ای را انتخاب کنم ترجیح می‌دهم به جای این که به خودم فکر کنم به مجموعه فکر کنم بنابراین به‌طور حتم اولویتم با کارهایی خواهد بود که مجموعه عواملی که در آن هستند قدر تمند باشند چرا که معتقدم سینما یک کار گروهی است نه فردی! با این حساب در به وجود آمدن یا ساختن یک کار خوب قطعا لازم است همه عوامل آدم‌های کاربلد و حرفه‌ای باشند، ضمن این که نقش هم برایم مهم است؛ من ترجیح می‌دهم نقشی جدید را انتخاب کنم و این‌گونه خود را به چالش می‌کشم؛ در این بیست سال هم که تئاتر کار کرده‌ام به این صورت بوده است؛ تکرار خودم خیلی برایم خوشایند نیست؛ سعی می‌کنم نقش‌ها و فضاهای جدیدی را امتحان کنم.

چقدر سعی کردید به نسبت آدم‌هایی که در سایر قصه‌ها بودند متفاوت باشید؛ البته که این سوال در ابتدا بحث فیلمنامه را پیش می‌کشد که بایستی از اول وجه تمایزاتی را برای شخصیت‌ها قائل شده باشد و در وهله دوم نوع بازی شما؟

برای خلق شخصیت ارسلان میرزا به‌جز فیلمنامه به هیچ چیز دیگری رجوع نکردم؛ چون شخصیت متفاوت و تازه‌ای بود که تا‌به‌حال در آثاری که ساخته شده‌اند شبیه آن وجود نداشت؛ بنابراین سعی کردم همه چیز را خودم بسازم و خلق کنم اما یک‌سری مطالعات در زمینه تاریخ قاجار انجام دادم تا آن فضا را بهتر درک کنم و بدانم آدم‌های آن دوران چگونه زندگی و فکر می‌کردند و با چه مسائلی در زندگی روبه‌رو بودند؛ به عکس‌های زمان قاجار رجوع کردم تا فیکورها و ژست‌های آن‌ها را بیشتر بشناسم؛ همیشه دوست دارم متفاوت باشم، اصلا مایل نیستم کاراکتری که بازی می‌کنم شبیه کارهایی که پیش از این ساخته و کار شده باشد؛ نه این‌که دوستان اشتباه بودند نه! بلکه فکر می‌کنم در بازیگری اگر غیر از این باشد آن هنر اصیل و ناب از بین می‌رود و به یک تقلید صرف تبدیل می‌شود؛ بنابراین من سعی کردم حتی مواردی که قبلا حتی در بازی‌های خوب در کارهای تاریخی هم دیده بومد را فراموش کنم تا ببینم از درونم چه اتفاقاتی رخ می‌دهد؛ زیرا شازده‌ارسلان شخصیت بسیار پیچیده‌ای بود که زوایای پنهان و آشکار فراوانی داشت؛ ضمن این که حفظ راکورد آن هم خیلی سخت بود چراکه وضعیت حسی این کاراکتر از ابتدا تا انتهای سریال مدام در حال تغییر است، به همین سبب به تمرکزی بالا برای احاطه روی همه مسائل نیاز داشتم.

صحبت پایانی خود را بفرمایید.

فکر می‌کنم نیاز داریم تکنیک‌های روز بازیگری دنیا را بیشتر مطالعه کنیم و در خلق کاراکترها به‌روز‌تر باشیم؛ بازیگری به هیچ‌وجه کار ساده‌ای نیست بلکه بسیار هم دشوار است؛ هم جسم و هم روح و روان یک انسان درگیر این حرفه می‌شود؛ به همین علت هم آموزش بازیگری در دنیا پنج تا ده سال طول می‌کشد؛ اگر می‌خواهیم در شرایط امروز حرفی برای گفتن داشته باشیم بایستی با تکنیک‌ها و مسائل روز دنیای بازیگری آشنا شویم؛ زیرا امروز امکان رویت و مقایسه آثار در سطوح مختلف جهانی وجود دارد بنابراین اگر درصدد باقی‌ماندن در عرصه جهانی هستیم باید حرفی برای گفتن داشته باشیم؛ همیشه از بازی کردن می‌پرهیزم و سعی دارم نقشی که قرار است ایفا کنم را در درون خودم پیدا کرده آن را زنده کنم؛ برای من مهم‌تر از هر چیز طبیعی بودن در بازیگری است و سال‌هاست برای رسیدن به آن تمرین می‌کنم؛ تلاش می‌کنم وقتی بیننده کاری را از من تماشا می‌کند تشخیص تفاوت‌های بین واقعیت و فیلم برایش سخت باشد؛ فکر می‌کنم بازیگری روز دنیا هم به همین منوال است.